

در جستجوی دلمون

علی ناظمیان فرد

برکت‌خیز (Blessed Land) سخن رفته است. در متنی از نیپور، جایگاه ویژه دلمون در منهب بین التهرین به خوبی آشکار است. این متن که یک لوح بزرگ سفالین می‌باشد به خط میخی و در ۲۷۸ سطر و شش ستون تنظیم شده است. این لوح که توسط کوشگران به موزه دانشگاه پنسیلوانیا برده شد در سال ۱۹۴۵ به همت پروفیسور گرامر - یکی از بزرگترین سومرشناسان و رئیس موزه دانشگاهی فیلادلفیا - ترجمه گردید. این متن که در واقع یک شعر بلند اسطوره‌ای است عناصر درونی‌اش را انکی (Enki) و نینهورساک (Ninhursag) - دو تن از خدایان سومری - تشکیل می‌دهند. اسطوره انکی و نینهورساک در دلمون اتفاق افتاده بود و این شعر حماسی با ستایش سرزمین دلمون چنین آغاز می‌شود:

The holy Cities - present them to him [Enki]
The land of Dilmun is holy
Holy sumer present it to him
The land of Dilmun is holy
The land of Dilmun is holy, The land of Dilmun is pure. The land of Dilmun is holy, The land of Dilmun is clean, The land of Dilmun is holy.
سپس در چند سطر پایین‌تر به مواردی از وجوه تقدس دلمون می‌پردازد:
In Dilmun, The raven utters no cry
The wild hen utters not the cry of the wild hen.
The lion Kills not
The walf Snatches not the lamb
The malt which the widow spreads on the roof
The birds of heaven don't the head
The dove drops not the head
The sick - eyed says not I am sick - eyed.
The sick headed says not I am sick - headed.
Its old woman says not I am old woman
Its old man says not I am old man.

گفته شده که «ششاک» مترادف «آزاک» (خدای سومریان) در دلمون برستش می‌شده است. این نام که بر روی تخته سنگی حک شده بود توسط دربار «هوراد» در بحرین کشف گردید. «انکی» خدای نسی زیز زمین که در بین‌النهرین جایگاه ویژه‌ای داشت در اصل از اساطیر دلمون بداجا وارد شده است.^۳



دلمون (Dilmun) برای پژوهشگران و خوانندگان دستاوردهای تمدنی خاورمیانه نامی آشناست. کمتر کسی است که تمدن سومر و شخصیت برجسته آن یعنی گیلگمش را بشناسد اما از دلمون سخنی نشنیده باشد. دلمون با همه اشتها نام و به رغم تلاش‌هایی که باستان‌شناسان در ایضاح جایگاه راستین آن به عمل آورده‌اند هنوز هم حتی برای اهل تاریخ از صورت روشنی برخوردار نیست.^۱ جستجو و کاوش در خصوص دلمون به سال ۱۹۵۲ میلادی راجع می‌شود. زمانی که جنووری بای‌بی^۲ این فرصت را یافت که برای بازدید از هزاران تپه گور بی تاریخ که به سرزمین بحرین منظره‌ای خاص بخشیده‌اند به این کشور سفر کنند. تنها چند حفاری مختصر، وجود تمدن باشکوهی که مربوط به ۳۳۰۰ سال پیش از میلاد (معاصر با «اور» و «بابل») است تایید نمود. همچنین، استاد و مدارکی را که نشانگر وجود روابط تجاری این منطقه با تمدن حوزه سند (ایندوس) است بدست آمد.

جنووری بای‌بی پس از انجام کاوش‌های نخستین، حدود بیست بار دیگر نیز به بحرین سفر کرد و بالاخره نتایج کاوش‌های خود را - که یافتن آثاری از شهرها و معابد خاموش و فراموش شده در بحرین جزئی از آن است - با قلمی شیوا و روان در کتاب در جستجوی دلمون (Looking for Dilmun) که شرح مبسوط سفرهای تحقیقاتی و اکتشافی‌اش می‌باشد به خوانندگان تقدیم نمود.

کتاب مذکور که در پی معرفی دوره‌ای از ادوار ماقبل تاریخ خاورمیانه است برای نخستین بار در سال ۱۹۶۹ در لندن به چاپ رسید و در سال ۱۹۹۶ با ویرایشی جدید به همراه مقدمه‌ای که یکی از باستان‌شناسان برجسته امروز - کارل فیلیپ - بر آن نوشته است برای نسل جدید خوانندگان تجدید چاپ شد. پیش از این، جویندگان دلمون این سرزمین را در عرصه اسطوره‌ها جستجو می‌کردند. در متون سومری از سرزمین جاوید فناناپذیر انسان‌ها سخن رفته است و این همان دلمون است^۳ که گیلگمش، آرزوی رسیدن به آن را داشت و فریادهای نوسناتزیک و غربت‌زده او در زیر آسمان سومر بیانگر آرزوهای هر گزینه انسان در رسیدن به خلود و فرار از سیطرهٔ زمان بود. ساکنان جنوب بین‌النهرین (سومر و بابل) بر این باور بودند که خدایان در سپیده‌دم زمان، بیشتر ایم خود را در دلمون می‌گذرانند. از این روز به آن سرزمین، آب شیرین، سرسبز و مملو از تمدن و جوی پایدار اعلا کرده بودند. بی جهت نیست که در اسطوره‌های بین‌النهرین از دلمون به عنوان سرزمین خوشبخت و

پنج مهر کامل مربوط به تمدن دلمون - این مهرها در حفاری مرکز تمدن «اور» و دره «ایندوس» به دست آمده است.



دایرةالمعارف بریتانیا ذیل واژه دلمون (Dilmun) آورده است: «دلمون نامی سومری است که بر پادشاهی مستقل باستانی اطلاق می‌شده که در حدود دو هزار سال پیش از میلاد در جزیره‌ای در خلیج فارس - که امروزه آن را بحرین می‌خوانند - می‌درخشیده است. همچنین افزوده است که دلمون - حسب اسناد و مدارک اقتصادی سومر - مرکز تجاری و اقتصادی در هزاره سوم قبل از میلاد بوده است و نیز ادعا شده که دلمون حلقه اتصال و مرکز انتقال کالا میان سومر و حوزه سند (ایندوس) بوده است. این مرکز، مس و کالاهای دیگری نظیر: مهرهای سنگی، احجار کریمه، مروارید، خرما و سبزیجات را در عوض محصولات کشاورزی به سومر و بابل منتقل می‌کرده است.» دو سند از نیبور بر جای مانده که نشان می‌دهد دلمون به بابل، خرما صادر می‌کرده است و خرماهای دلمون در بابل دارای ارزش بالایی بوده است.»

امروزه یافته‌های باستان‌شناسی نظیر بقایای معبد باستانی «باربار» (Barbar)، واقع در روستای

باربار، که محل بازدید علاقه‌مندان به آثار باستانی و تمدن دلمون است و نیز وجود هزاران تپه‌گور در روستای «دراز» (Draz) در بحرین گواه برجستگی و قدمت این جزیره می‌باشد.^۳ برج و باروهای باستانی بحرین (دلمون) که محدوده‌ای به وسعت هجده هکتار در ساحل شرقی این جزیره را به خود اختصاص داده، در بردارنده شهری متعلق به ۲۸۰۰ سال پیش از میلاد است. شهری که در هفته نوبت ساخته شده است. دیوارهای این شهر که مربوط به مرحله دوم ساخت شهر (۱۸۰۰-۲۳۰۰ BC) می‌باشد نیز از دل خاک بیرون کشیده شده است. مصنوعالی نظیر مهرهای دایره‌ای شکل، مجسمه و کله گاو مسی نیز از این منطقه بدست آمده است. با این همه، جنوفری

بای می که هم‌خود را مصروف شناسایی دلمون نموده است می‌گوید «من ادعای این را ندارم که توانستم حدود و ثغور دلمون و سنگ‌های مرزی آن را بیابم تا از روی آن بتوانم کلیت محدوده دلمون را دقیق تعیین کنم و از این روست که کتاب خود را «در جستجوی دلمون» نام گذاشتم نه کشف دلمون.»^۴

پی‌نوشتها و توضیحات:

۱. برای نمونه در کتاب تاریخ‌شناسی دوره پیش دانشگاهی در درس مربوط به اساطیر به صراحت از جایگاه واقعی دلمون اظهار بی‌اطلاعی شده است.

۲. جنوفری بای می در سال ۱۹۱۷ در Westmorland بنا می‌آید. در ایام جوانی تصمیم گرفت که باستان‌شناسی خاورمیانه شود. او زبان عربی و خط میخی را در دانشگاه کمبریج آموخت و با علمیات حفاری به هنگام حفاری دیوار هادرین در شمال انگلستان آشنا شد. پس از اتمام خدمت نظامی ابتدا به جزایر فارو و سپس به نامدارک رفت و سرانجام با یوستن به یک کمیای نفی در عراق به خاورمیانه آمد. او از سوی آن شرکت به بحرین اعزام شد. سه سال بعد به انگلستان برگشت و به حسب اتفاق در نامدارک با پتفر گلب (Glob Petter) استاد باستان‌شناسی در

آرموس آشنا شد که این آشنایی در تپه‌ها موجب استخدام وی به عنوان مسئول عملیات شرقی در موزه ماقبل تاریخ آرموس گردید بلکه زمینه سفرهای او به بحرین جهت جستجوی دلمون را نیز فراهم آورد.

در متون سومری از سوزمین جاوید اجداد فناپذیر انسان‌ها سخن رفته است و این همان دلمون است که گیلگمش از روی رؤسین به آن را داشت و فریادهای نوستالژیک و غربت‌زده او در زیر آسمان سومر بیانگر آرزوهای هر گزینده انسان در رسیدن به خلود و فرار از سیطره زمان بود

کتر کسی است که تمدن سومر و شخصیت برجسته آن یعنی گیلگمش را بشناسد اما از دلمون سخنی نشنیده باشد

T- Bibby, Geoffrey:
Looking for Dilmun,
stacey international,
London, ۱۹۹۶.

۳. همان، ص ۵۷.

۴. همانجا.

۵. همان، ص ۵۹.

۶. بنگرید به

Encyclopedia
of Britannica

ذیل واژه Dilmun.

۸. ماخذ شماره ۳، ص ۲۳۹.

۹. نگارنده چند بار

گزارشهای مستند و گوناگونی را در خصوص دلمون از تلویزیون‌های کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مشاهده کرده است.

۱۰. ماخذ شماره ۳، ص ۵۶.